



## شش حاشیه بر شعرهای شکوه قاسم‌نیا

شهرام رجب‌زاده

بنیان نهادند. بدین ترتیب، بیش از یک دهه، مدل کیانوش، به مدل مسلط شعر کودک ایران بدل شد و شعر محاوره‌ای متکی بر فولکلور، از فضای حاکم بر این عرصه کناره گرفت.

البته شاخهٔ محاوره‌ای شعر کودک، هرگز به تمامی میدان را خالی نکرد. از جمله، م. آزاد که کار در این فضا را پیش از انقلاب آغاز کرده بود و اثری چون لی لی لی حوضک را در کارنامهٔ خود داشت، هم‌چنان به خلق آثاری در این شاخه پرداخت که هیچ‌یک درخشان یا حتی قابل تأمل نبودند. از این گذشته، شاخهٔ محاوره‌ای شعر کودک، به شکلی دیگر، در کارهای پرشمار منوچهر احترامی و به ویژه مشهورترین آن‌ها، یعنی حسنی نگو به دسته گل به حیات خود ادامه داد و از قضا موفق شد در مقایسه با شاخهٔ مسلط شعر کودک، گروه گسترده‌تری از کودکان را به سوی خود جلب کند، اما مجراهای رسمی و نهادهای تثبیت شدهٔ دولتی و غیردولتی شعر کودک و دست‌اندرکاران جدی و مطرح و مشهور و تربیون دار این عرصه، هرگز آن را به رسمیت نشناختند و حتی برای بیرون راندنش از

شکوه قاسم‌نیا، به نخستین نسل شاعران کودک پس از انقلاب تعلق دارد و هم‌چون همنسلان خود، در اعتبار بخشیدن به شعر کودک و زمینه‌سازی برای جدی گرفتن آن، سهیم است. از این گذشته، در شاخه یا گرایش ویژه‌ای از شعر کودک نیز راهگشا و پیشگام به شمار می‌آید.

در سال‌های ۵۸-۵۹ که قاسم‌نیا و دوستانش به عرصهٔ شعر کودک روی آوردند، دو الگو پیش روی خود داشتند: نخست، محمود کیانوش به عنوان جدی‌ترین رهرو شعر رسمی کودک با مجموعهٔ نظریات مدون شعری‌اش و دوم، شعر محاوره‌ای با نمونه‌های موفق هم‌چون پریا و دخترای ننه دریای احمد شاملو و در سطحی دیگر، گل اومد بهار اومد منوچهر نیستانی که در غیاب نظریه‌های مدون شعری، بر شالودهٔ گنجینهٔ غنی و دیر سال فرهنگ عامه بنا شده بود.

قاسم‌نیا و همنسلانش، الگوی نخست را برگزیدند و شعر کودک و شعر نوجوان پس از انقلاب را بر پایهٔ تجربهٔ شعری و نظریه‌های کیانوش



عرصه رقابت، از هیچ تلاشی دریغ نکردند. شعرهای قاسم‌نیا - که در این دوره، هم برای خردسالان و کودکان می‌سرود و هم برای نوجوانان - با جریان عمومی شعر کودک و شعر نوجوان آن سال‌ها هماهنگ بود و نوسان‌های آن، جایگاه متمایز و متفاوتی را (اعم از فراتر یا فروتر) به او اختصاص نداد. البته، در همین دوره نیز می‌توان نشانه‌هایی از تأثیرگذاری شعرهای او بر دیگر شاعران کودک دید؛ تأثیری که گاه در زبان یا مضمون رخ می‌نماید و گاه در نوع نگاه. چیزهایی از این دست:

قاسم‌نیا:

خاک، خاک  
تشنه لب  
ناتوان  
ناله کرد: «آب، آب»  
کو، کجاست آفتاب؟»

افشین علاء:

- کو، کجاست؟  
ماه نیست  
پس چه شد؟  
- مثل برف  
آب شد  
چکه چکه چکه شد  
هر ستاره چکه‌ای

قاسم‌نیا:

من می‌توانم

آماده سازم  
کیف و کتابم  
وقتی سحر  
شد  
بیدار باشم  
دیگر  
نخواهم  
...  
من می‌توانم  
با مادر خود  
این را بگویم:  
«دیگر بزرگم  
مادر زن تو  
شانه به مویم»

...  
من می‌توانم  
گل را نجینم  
آن را ببویم  
درباره گل  
با شوق بسیار  
شعری بگویم

افشین علاء:

بلدم شعر بگویم  
بلدم قصه بخوانم  
بلدم خستگی‌ات را  
به سلامی بتکانم

بلدم پاک و مرتب  
بزنم شانه به مویم  
بلدم آینه باشم

(گل انقلاب) (۱)

(شعر ستاره‌ها) (۲)

حسینی کلاس چنده؟



(من می‌توانم) (۳)

بلدم راست بگویم

(بلدم شعر بگویم) (۴)

و یا این یکی:

قاسم‌نیا:

او که بهتر از مادر

مهربان‌تر از باباست

او امید محرومان

او خدای بی‌همناست

(مثل یک گل کوچک) (۵)

که نسخه دوم آن، از اصل مشهورتر شده و به کتاب‌های درسی نیز راه یافته است:

افسانه شعبان‌نژاد:

مهربان‌تر از مادر

مهربان‌تر از بابا

مهربان‌تر از آبی

با تمام ماهی‌ها

...

مهربان‌تر از خورشید

با گل و زمینی تو

تو خدای ما هستی

مهربان‌ترینی تو (۶)

با این همه، تأثیرگذاری شعرهای این دوره قاسم‌نیا بر دیگر شاعران کودک، بسیار محو و محدود است و به شعر او برجستگی خاصی نمی‌بخشد، حتی برخی از شعرهایی که با تأثیرپذیری از این گروه از آثار قاسم‌نیا سروده شده‌اند، از کارهای او موفق‌تر و قوی‌تر به شمار می‌آیند.

شاید بتوان انتشار مجله گلک که برای خردسالان، آغاز دوره دوم شعر شکوه قاسم‌نیا خواند؛ دوره‌ای که بی‌شک در پیش از این مقطع ریشه دارد، اما گلک، مجالی برای بروز و ظهور آن فراهم آورد. در این دوره، قاسم‌نیا پای در مسیری متفاوت گذاشت و با وجود غلبه جو مخالف، شجاعانه به سرودن شعرهای محاوره‌ای برای خردسالان روی آورد و تنی چند از شاعران کودک را نیز به تجربه‌گری در این مسیر تشویق کرد. قاسم‌نیا در این دوره، در جست‌وجوی زبانی که توانایی برقراری ارتباط صمیمانه با کودک پیش‌دبستانی را داشته باشد، زبان رسمی معیار را رها کرد و با تکیه بر ویژگی‌های متل‌ها و شعرهای فولکلوریک، به شاخه شاعران شعر محاوره‌ای کودک پیوست. تلاش این دوره او، تا پیش از انتشار مجموعه ماه و ماهی، در شعرهای پراکنده او در صفحات مطبوعات کودک، به ویژه گلک بروز کرد و با انتشار ماه و ماهی در سال ۱۳۷۱، شکل تثبیت شده‌ای یافت.

قاسم‌نیا در مقدمه این کتاب که عنوان «برای بزرگ‌ترها» بر پیشانی آن خورده است، اصول کار و چارچوب نظری دوره جدید شاعری خود را این‌گونه شرح می‌دهد:

با کودکان که باشی، هر روز چیزی تازه می‌آموزی و تجربه‌ای نو می‌اندوزی.

هر روز خطی می‌خورد به آن چه که پابندش بوده‌ای و باورش داشته‌ای.

در دنیای کودکانه، حاصل جمع ۲ با ۲ گاه ۴ نیست!

و من و تو که برای کودکان قلم می‌زنیم، باید که صداقت را توشه راه خود کنیم و سلامت را زینت اندیشه خود.



باید که از غرور بزرگسالانه خود دست بشوییم و نگوییم که «چنین است و جز این نیست!» باید چراغ برداریم و به کشف ظرائف دنیای بزرگ کودکان برویم. باید که هر لحظه و هر دم به حرفی نو و کاری تازه و تجربه‌ای جدید دست یابیم.

و من...

امروز تجربه‌ای تازه دارم: می‌گویم که شعر خردسال نه تنها محتوای خردسالانه می‌خواهد، بلکه قالبی چنین نیز طلب می‌کند. شاعری که برای این گروه سنی، یعنی کودکان زیر دبستان، شعر می‌گوید، باید که مراتب خواسته‌ها و نیازهای مخاطب خود را بداند و بشناسد و رعایت کند و گاه این رعایت کردن، به بهای چشم‌پوشی از بعضی اصول تمام می‌شود.

در یک کلام، شعر خردسال باید آن شعری باشد که ورد زبان مخاطبش شود و او را به شعر خوانی علاقه‌مند کند، نه آن‌که در کتاب شعر بماند و خاک بخورد. شعر خردسال در وهله اول، به ریتم و آهنگ مناسب نیازمند است. این شعر باید مخاطبش را به حرکت وادارد. دست زدن و پایکوبی و سر تکان دادن با آهنگ کلام را در او دامن بزند.

دوم، به کلماتی صمیمی و آشنا برای خردسال محتاج است. کودک خردسال، هنوز به مدرسه نرفته تا با کلام صحیح و سالم و مشترک کتب درسی آشنا شده باشد. او کلام را تا آن‌جا می‌شناسد که در خانواده شنیده و آموخته است.

سوم، موضوع شعر خردسال باید منتخب از

دنیای او باشد و نه آن‌چه که از سوی ما بزرگ‌ترها به دنیایش ضمیمه شده است. و چهارم، شعر باشد و در حد و نوع خود جوهره شعری داشته باشد تا لطافت ذهن مخاطب را دوچندان کند.

نوشته‌ای که سه شرط اول را دارا باشد، اما از ویژگی چهارم بی بهره بماند، شعر نیست. یا ترانه است یا قصه منظوم یا... و در هر حال، در این مقوله نمی‌گنجد.

و این مجموعه...

اولین تجربه من است در این زمینه و برای این گروه سنی و البته خام است و پر اشکال. اما راه بی پایان است و شوق آموختن، بسیار. با امید برداشتن گام‌های محکم‌تر و مؤثرتر در آینده! (۷)

بدین ترتیب، قاسم‌نیا پیشگام شاعران صاحب‌نام و جدی شعر کودک پس از انقلاب، در توجه به شعر محاوره‌ای شد و شاعرانی چون اسدالله شعبانی، افسانه شعبان‌نژاد و ناصر کشاورز، در پی او گام در این راه نهادند. نمونه عینی آن پیشروی و این پیروی را می‌توان در شعر «باغ» قاسم‌نیا، از مجموعه ماه و ماهی و تأثیر آن بر کتاب ابر اومد، باد اومد افسانه شعبان‌نژاد، از نظر زبان، نگاه، ساختار مثل‌گونه و دیگر ویژگی‌هایی دید که بحث درباره آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد.

## ۲

شکوه قاسم‌نیا که در دوره نخست، دایره مخاطبان خود را وسیع‌تر می‌دید و برای خردسالان، کودکان و نوجوانان می‌سرود، در دوره دوم، ارتباط خود را با شعر نوجوان به طور کامل قطع کرد و بیش‌ازپیش، بر سرودن برای خردسالان

متمرکز شد. این روند، تاکنون ادامه داشته و تازه‌ترین جلوه آن، انتشار مجموعه نی نی مامانی قاقا می‌خواد، برای بچه‌های ۱ تا ۳ ساله است.

تجربه اولیه قاسم‌نیا در شعر نوجوان، تجربه‌ای موفق نبود. با این همه، کوله‌بار این بخش از کار او نیز از شعرهای خواندنی و قابل قبول تهی نماند؛ شعرهایی هم‌چون «خبر داغ کلاغ»<sup>(۸)</sup>.

اما جدایی او از شعر نوجوان که در طبیعت شعر او ریشه داشت و گذر زمان نیز بر انتخاب این راه صحنه گذاشت، با نقد شتاب‌زده قاسم‌نیا درباره شعر کودک و شعر نوجوان آن زمان و نوعی نظریه‌پردازی خام در این زمینه همراه شد که مشخص‌ترین نمود آن را در مقاله «ویروس بزرگسالی در شعر کودک» می‌یابیم که نخست، در سومین سمینار ادبیات کودکان و نوجوانان (تهران، خرداد ۷۳) ارائه شد و سال بعد نیز متن آن انتشار یافت.

در مقاله یاد شده، قاسم‌نیا از دور شدن شاعران کودک، از مفهوم شعر کودک و نفوذ بزرگسالی به شعرهای آنان سخن می‌گوید. به

اعتقاد او، در آن سال‌ها (۷۱-۷۲)، از شعر کودک و نوجوان، بخش شعر کودک، تقریباً حذف شده و آنچه مانده بود، شعر نوجوان و جوان بود با آینده‌ای که رو به بزرگسالی می‌رفت.<sup>(۹)</sup>

او می‌نویسد: «پرونده پرافتخار شعر کودک و نوجوان را ورق بزنید و ببینید که از میان شاید ۱۵۰۰ شعری که گفته‌ایم، چه تعدادش برای کوچک‌ترهاست. و ببینید که ما چگونه ماه‌به‌ماه و سال‌به‌سال، از شعر کودک فاصله گرفته‌ایم و به نوجوانی و بزرگسالی نزدیک شده‌ایم! ببینید که تا چه حد ویروس بزرگسالی به ما و شعرهایمان سرایت کرده است! خواهش می‌کنم اولین شعرهایتان را با آخرین آن‌ها مقایسه کنید تا دامنه ابتلا به این ویروس موذی و خطرناک را دریابید؛ شاید که هنوز بشود برای نابودی این ویروس کاری کرد!»<sup>(۱۰)</sup>

جوهر این مقاله، اعتراض به نادیده گرفتن خردسالان و بی‌اعتنایی به شعر خردسال است و از این منظر، می‌توان تا حدودی با قاسم‌نیا همداستان بود. در زمان مورد بحث، شعر خردسال، باریکه‌ای در کنار شعر کودک و شعر نوجوان بود و چنان که باید و شاید، بدان پرداخته نمی‌شد؛ برخلاف اکنون که دلایل اقتصادی، شعر کودک و به ویژه شعر نوجوان را به نفع کتاب‌های رنگارنگ منظم خردسالانه کنار زده است. با این همه، نمی‌توان پذیرفت که شعر نوجوان (و حتی جوان رو به بزرگسالی)، میدان را از شعر خردسال گرفته بود؛ زیرا شعر نوجوان آن سال‌ها نیز از نظر کمی و کیفی، چنین قدرتی نداشت و هم‌چنان شعر کودک میدان‌دار به شمار می‌آمد. نگاهی به آمار انتشار مجموعه‌های نوجوانانه و مقایسه آن با آمار انتشار مجموعه شعرهای کودکان و نیز حجم انتشار شعر





کودک و شعر نوجوان در مطبوعات، می‌تواند زمینه‌ای برای محک‌زدن این نظریه فراهم آورد. البته، جای چنین مقایسه‌ای بی‌شک این مقاله نیست که به قصد بررسی کار یک شاعر کودک نوشته شده است.

این نکته را نمی‌توان ناگفته گذاشت که گرایش به شعر نوجوان، لزوماً در حوزه شاعرانی پدید نیامده بود که در آغاز برای کودکان می‌سرودند یا هم کودک و هم نوجوان را مخاطب خود می‌دانستند. حضور شاعرانی که خود را «شاعر نوجوان» می‌خواندند و گاه پیشینه‌ای از تجربه در شعر کودک نیز نداشتند، یکی از عوامل شدت یافتن جریان چشمه شعر نوجوان به شمار می‌آید. حضور جدی این گروه از شاعران را پس از انتشار ماهنامه ادبی - هنری سروش نوجوان، از آغاز سال ۱۳۶۷، می‌شد دید و پی گرفت. بنابراین، لزوماً همه کسانی که برای نوجوانان می‌سرودند، در نخستین شعرهای شان شاعر کودک یا خردسال نبودند. کما این که خود قاسم‌نیا هم معترف است که برخی نیز (از جمله خود قاسم‌نیا) در این برهه، جذب شعر نوجوان نشدند و هم‌چنان به سرودن شعر کودک و خردسال ادامه دادند.

قاسم‌نیا در ریشه‌یابی چیزی که آن را «ویروس بزرگسالی» می‌نامد، از این هم شتاب‌زده‌تر ظاهر می‌شود و می‌گوید، ترس از تمسخر شاعرانی که برای مخاطب بزرگسال می‌سرودند، تلاش برای اثبات توانایی شاعری برای بزرگسالان، سرانجام، شعر کودک را «سکوی پرتاب به شعر بزرگسالی» دیدن، عوامل شیوع این ویروس بود.

شاید برخی از شاعران این وادی، در فضای بی‌اعتنایی به شعر کودک و نیز تحقیر این شاخه از

شعر، تلاش‌های ناکامی هم به قصد اثبات توانایی سرودن برای بزرگسالان کرده باشند، اما بی تردید این تلاش‌ها نتوانسته است سکویی برای پرتاب از شعر کودک، به سوی «شعر بزرگسالی» فراهم آورد. من حتی یک شاعر ایرانی را سراغ ندارم که با شعر کودک آغاز کرده و توانسته باشد جایی در میان شاعران موفق دست‌وپا کند که مخاطبان خود را در میان کودکان نمی‌جویند. به خاطر آوریم که در هیچ‌جای دنیا نیز شعر کودک، سکوی چندان مناسبی برای پرتاب به سوی مخاطب بزرگسال به شمار نمی‌آید.

از قضا، بیش از آن که خودکم‌بینی در برابر شعر به مفهوم عام، بر پیکر شعر کودک زخم‌زده باشد، شاعران شکست‌خورده و ناتوانی که از عرصه عام شعر، راهی به فضای شعر کودک گشوده‌اند، ویروس سهل‌انگاری را به جان این نهال نورس افکنده‌اند و «بساز و بفروشی» را جایگزین «هنر» در این میدان کرده‌اند.

قاسم‌نیا پا را از این فراتر می‌گذارد و به عنوان یک احتمال، در پاسخ به این پرسش که «ویروس بزرگسالی در شعر کودک، چه وقت، چرا و چگونه پدید آمد؟»، می‌نویسد: «شاید از آن زمان که کودکی بیمار و ناخلف، با شنیدن یک شعر ساده و صمیمی کودکانه، اخم‌هایش را درهم کشید و گفت: "ما دیگر بزرگ شده‌ایم، این شعرها به دردمان نمی‌خورد." (۱۱)

قاسم‌نیا اعتقاد دارد هر شعری که کودک آن را «بفهمد»، لزوماً شعر کودک نیست و این نوع «فهمیدن»، شرط کافی برای تحقق شعر کودک به شمار نمی‌آید. بنابراین، صرفاً با استناد به وسیع شدن دایره دانسته‌های کودک، نمی‌توان «حرف‌های آن چنانی زد و شعرهای آن چنانی گفت». این نکته

درست است، اما بی تردید نمی‌تواند مجوزی برای اقتادن از آن سوی پشت‌بام و بی‌اعتنایی محض به خواسته و انتظار مخاطب کودک باشد.

به راستی، در شگفتم شاعری که برای کودکان می‌سراید، چگونه به خود حق می‌دهد کودکی را که ذائقه‌ای متفاوت با ذوق و پسند او دارد، «بیمار و ناخلف» بنامد! آیا وجود چنین مخاطبانی را برای شعر کودک، نمی‌توان به معنایی جز «بیماری و ناخلفی» کودکان تعبیر کرد؟ آیا نمی‌توان این امر را نشانه‌ای از جدایی شاعر از مخاطب، دست‌کم گرفتن مخاطبان و عقب ماندن شاعران کودک از کودکان زمانه خود (دقت کنید: نمی‌گویم از کودکان دیروز و نوجوانان امروز) دانست؟ آن «بیماری و ناخلفی» نیاز به اثبات دارد و تا زمانی که اثبات نشود، فرضیه «عقب ماندگی شعر کودک» را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

از همه این‌ها که بگذریم، با آن‌که قاسم‌نیا در این دوره نتوانست در قامت نظریه‌پردازی موفق ظاهر شود، جدی‌ترین، بارورترین و تأثیرگذارترین برهه شعری خود را از همین دوره آغاز کرد.

۳

شاخص‌ترین ویژگی شعرهای دوره دوم شاعری قاسم‌نیا، ظهور و بروز حس‌های ناب خردسالانه و کشف‌های بکر، از دریچه چشم‌های کوچک و تیزبین مخاطب خردسال است:

چه دکمه قشنگی

روی لباس من هست

مامان می‌گه همیشه

دکمه‌ها رو باید بست

دکمه این لباسم

به شکل پینه‌دوزه  
اگر ببندمش من  
دلَم برآش می‌سوزه

(دکمه) (۱۲)

دکمه من شل شده  
دلش می‌خواد بیفته  
باید بدوزمش من  
مامانم این‌رو گفته

نه نمی‌خوام بدوزم!  
می‌خوام که آزاد باشه  
هر جا دلش خواست بره  
خوشحال و دلشاد باشه

(دکمه شل) (۱۳)

تراکم این حس‌ها در شعرهای مجموعه‌های ماه و ماهی و به خاطر خروسه، بیش از دیگر مجموعه‌های شاعر است و از قضا، در این کارهای قاسم‌نیا، «تلاش صادقانه در یافتن حس‌های ناب کودکان»<sup>(۱۴)</sup>، بیش از دوره پیش از شیوع ویروس بزرگسالی به چشم می‌خورد.

در این کارها جرقه‌های شعر ناب خردسالانه را آشکارا می‌توان دید؛ جرقه‌هایی که اگر «اقتصاد» اجازه دهد و «تولید انبوه» را به کار شاعران این عرصه تحمیل نکنند، می‌تواند نویدبخش رشد درخت تناوری در خاک شعر کودک و خردسال ایران باشد.

چنین شعرهایی، بر روابط علی و معلولی جهان واقعی تکیه ندارند و روابطی بین پدیده‌ها کشف می‌کنند که تنها با چشم کودکان می‌توان آن‌ها را دید و در جهان بزرگ‌ترها بی‌اعتبارند. به عبارت دیگر، در این شعرها با جهانی جز جهان روزمره و روابطی جز روابط همیشگی مواجهیم و از این رو،



شعر به درستی و به تمامی تحقق می‌یابد. مگر نه این‌که شعر و هنر، خلق جهانی دیگر است؟ جهانی که قوانین خاص خود را دارد و از منطق مرسوم دنیای عاری از هنر و خلاقیت، دستور نمی‌گیرد. در چنین جهانی، بستن دکمه‌ای که شبیه پینه‌دوز است، دل کودک را می‌سوزاند و دوختن دکمه‌ای که شل شده است، سلب آزادی دکمه تعبیر می‌شود و دلیل بسته بودن بال و پر قناری نقاشی، شکسته بودن نوک مداد زرد کودک است و اگر «چتری» دخترکی بلند باشد، هنگام بارش باران، از تر شدن چشمان او جلوگیری می‌کند.

اما در آن سو، به «سری‌کاری»‌هایی برمی‌خوریم که بسیاری از آن‌ها حول محور یک شخصیت «سرانداخته شده‌اند»؛ شخصیت‌هایی مثل «حسینی»، «خاله ریزه»، «خاله سوسکه» و... از آن حس‌های ناب خردسالانه در این «سری‌دوزی»‌ها به ندرت می‌توان نشانی یافت و پیداست که با انتظار ما از «شعر» فرسنگ‌ها فاصله دارند.

۴

شکوه قاسم‌نیا از تسلط قابل قبولی بر زبان فارسی برخوردار است و شعرهایش نسبتاً زبانی سالم دارند. در مقایسه با گروهی دیگر از شاعران کودک، زبان شعر قاسم‌نیا، در گروه زبان‌های تندرست جای می‌گیرد. در هر دو دوره شعری این شاعر، تسلط او بر زبان، آشکار است. قید «نسبتاً» که در آغاز این مبحث آن را به کار گرفتیم، به پاره‌ای ضعف‌های زبانی او در شعرهای دوره نخست اشاره دارد که گاه نرمی و سلامت شعر را مختل می‌کنند، اما روی کل زبان، سایه نمی‌اندازند. مثلاً وقتی می‌سراید:

دریا چو اسب وحشی  
هر دم به من بتازد  
صد موج پریها  
بر من روانه سازد

گاهی به مهربانی  
من را به خود بخواند  
گاهی ز روی نفرت  
من را ز خود براند

(جزیره) (۱۵)

گذشته از آن که با کاربرد «من را» به جای «مرا» از فصاحت فاصله می‌گیرد، در مواردی که زبان به نحو کهن میل می‌کند، صمیمیت زبان را از دست می‌دهد. مثلاً با استفاده از «بتازد» به جای «می‌تازد»، «بخواند» به جای «می‌خواند»، «براند» به جای «می‌راند» و کاربرد واژگان غیرصمیمانه‌ای چون «بر من روانه سازد» و ساختارهای زبانی مخفقی چون «ز» به جای «از».

اما وجه غالب آثار او را در این دوره، شعرهایی با زبانی این چنین یکدست و روان تشکیل می‌دهند:

در پیش چشمم  
یک دشت زیباست  
خورشید روشن  
بالای این دشت  
گرم تماشااست

اسب سفیدی  
در سبزه‌زار است  
مردی کشاورز  
نزدیک آن اسب  
مشغول کاراست





این دشت و خورشید  
 سرشار رنگ‌اند  
 این اسب و دهقان  
 تنها و با هم  
 شعری قشنگ‌اند  
 یک شعر زیبا  
 می‌گویم اینک  
 شعری برای  
 دهقان و اسب و  
 این دشت کوچک

(شعر من) (۱۶)

حسنى می‌گه: زنبورک  
 این گل راستکی نیست  
 نداره رنگ و بویی  
 ببین، فقط نقاشیست!

زنبوره وزوزکنون  
 داد می‌زنه: چه عالیست!  
 می‌شینه روی دفتر  
 به نقاشیش می‌ده بیست

(حسنى یک گل کشیده) (۱۸)

به وضوح حس می‌کنیم که کلمات «نقاشیست» و «عالیست»، به بافت زبان محاوره تعلق ندارند و تنها دیکتاتورِ قافیه، آن‌ها را به شعر تحمیل کرده است. در زبان محاوره «نقاشیه» و «عالیه» به کار می‌رود. به ذکر چند نمونه دیگر اکتفا می‌کنم و می‌گذرم. جویندگان می‌توانند شرح مفصل این معضل شعر کودک روزگار ما را در مقاله یاد شده نویسنده این کلمات بیابند.

چرخى زد و گفت: حسنى  
 حالا که وقت گریه نیست

در دوره دوم شاعری قاسم‌نیا، زبان شعرهای محاوره‌ای او از سمتی دیگر آسیب دیده است که به شعر او اختصاص ندارد و مشکل شایعی در میان شاعران کودک محاوره‌ای سرا به شمار می‌آید. شرح این مشکل که از عدم شناخت دقیق زبان محاوره‌ای و فقدان تسلط بر این گونه زبانی سرچشمه می‌گیرد، در این نوشتار نمی‌گنجد و نویسنده این کلمات، در جایی دیگر به تفصیل از آن سخن گفته است. (۱۷)

در این جا تنها به این نکته اشاره می‌کنم که شعرهای محاوره‌ای قاسم‌نیا، در گروهی جای می‌گیرند که در سطح زبان عامیانه می‌غلطند و به عمق آن نفوذ نمی‌کنند. در این گونه شعر، حضور زبان و فرهنگ عامه را تنها در شکل شکسته کلمات می‌توان یافت، نه در مفردات و نحو ویژه این گونه زبانی و نه در فرهنگ گره‌خورده با آن. به عبارت دیگر، شعرهای قاسم‌نیا و تقریباً تمام محاوره‌ای‌سرایان شعر کودک زمان ما، از زبان محاوره، تنها تلفظ شکسته کلمات را برگرفته‌اند و در همین حد نیز بی‌عیب نیستند.

وقتی می‌خوانیم:



من می‌دونم غصه تو  
فقط برای تنهاییست

(حسنی دیگه گریه نکرد) (۱۹)

مرغ سیاه گفت: حسنی

دعوانکن تو را به خدا / باید «تورو به خدا» باشد /

تو باغچه تخم گذاشته‌ام

قدقدقا، قدقدقا

(حسنی چی دید) (۲۰)

حسنی گل است و لاله

لنگه داره؟ نداره!

(حسنی گل است و لاله) (۲۱)

هیچ می‌دونی چند سالمه؟ / باید «چن» باشد /

خیلی بزرگ‌تر از توام

مورچه‌ای پیر و خسته‌ام

جای پدر بزرگتم

(حسنی می‌خواست بازی کند) (۲۲)

حسنی نشسته امشب

کنار یک چاه آب / باید «یه» باشد /

روی دهانه چاه

افتاده نور مهتاب

(حسنی و طلسم چاه) (۲۳)



۵

قاسم‌نیا اعتقاد دارد که اگر شعری در حد و نوع

خود، جوهر شعری نداشته باشد، حتی با وجود

برخورداری از ریتم و آهنگ مناسب، کلماتی

صمیمی و آشنا برای خردسال و موضوعی منتخب

از دنیای او، «شعر خردسال» نیست. به عقیده او،

چنین نوشته‌ای می‌تواند «ترانه»، «قصه منظوم» یا

هر چیز دیگری باشد، *إلا* شعر.

با این تعریف، تعداد قابل توجهی از

نوشته‌های خردسالانه قاسم‌نیا، خارج از مقوله

شعر جای می‌گیرند. در حالی که روی جلد برخی از

آن‌ها کلمه «شعر» خودنمایی می‌کند و عبارت

مشترک «سروده قاسم‌نیا» در همه این آثار، به

شیوه‌ای غیرمستقیم، خواننده را به توهّم می‌اندازد

که با شعر سروکار دارد.

البته قاسم‌نیا، «قصه منظوم» را نیز خارج از

مقوله شعر می‌داند و این نکته را به فراموشی

می‌سپارد که «قصه منظوم» نیز می‌تواند از جوهر

شعری برخوردار و بالتبع «شعر» باشد. به علاوه،

قاسم‌نیا در تعریفی که بدان اشاره کردیم، جایی

برای «ترانه» باز کرده و خود نیز پاره‌ای از آثار خود

را «ترانه‌های کودکانه» نامیده، اما مشخص نکرده

است که «ترانه» چیست و چه ویژگی‌هایی دارد.

اگر مقصود، کلامی باشد که برای همراهی با

موسیقی نوشته می‌شود و خواننده‌ای آن را

می‌خواند، همه این آثار را نمی‌توان «ترانه» نامید؛

زیرا همه آن‌ها همراه با موسیقی خوانده نشده‌اند.

از این گذشته، می‌توان «شعر» را نیز با موسیقی

همراه کرد و این ویژگی، اختصاص به «غیر شعر»

ندارد. قدمای ما نیز «ترانه» را اغلب در معنای

«رباعی» و گاه «دوبیتی» به کار برده‌اند که این

تعاریف نیز به حوزه بحث ما مربوط نمی‌شوند.

قاسم‌نیا از زنان شاعری است که برای کودکان می‌سراید. در زمانه‌ی ما که مباحث مربوط به برابری و نابرابری جنسی و جنسیتی داغ است، این پرسش چندان غریب نمی‌نماید که زن بودن قاسم‌نیا، در هندسه‌ی شعرهای او چه سهمی دارد؟ من اعتقاد ندارم که می‌توان برای هنرمندان نسخه‌ی پیچید و از آنان خواست که آثار خود را به شیوه‌ای خاص خلق کنند. از این رو، گمان هم ندارم که باید از هر هنرمند زنی انتظار داشت که در آثارش، به مبارزه با تبعیض جنسی و جنسیتی بپردازد. این مسئله، به ساختار روحی و انتظار هر هنرمند از هنرش مربوط است. هنرمند را نمی‌توان از پیش به هیچ قیدی جز هنر مقید کرد. در میان مردان هنرمند، به گروهی برمی‌خوریم که در آثارشان، با نابرابری دو جنس به جدال برمی‌خیزند و با ستمی که طی قرن‌ها و هزاره‌ها بر زنان روا داشته‌اند، درگیر می‌شوند. از سوی دیگر، زنان هنرمندی را نیز سراغ داریم که در آثار خود، به مسائل عام بشری که جنسیت در آن‌ها علی‌السویه است، می‌پردازند. در این میان، شاید هنر و ادبیات

با این حساب، آیا این نامگذاری، کمکی به رفع ابهام از مقوله‌ی موردنظر کرده یا ابهام تازه‌ای به آن افزوده است؟

به گمان من، نیازی به این همه تلاش برای نامگذاری انبوه کتاب‌هایی که با ظاهر شعر کودکانه و خردسالانه به بازار عرضه می‌شوند و ویترین کتاب‌فروشی‌ها و پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها را اشغال کرده‌اند، نیست. وقتی نامی صریح، گویا و مناسب برای این آثار هست، یافتن نام تازه چه ضرورتی دارد؟ مگر واژه «نظم» چه اشکالی دارد که از به کار بردن آن می‌ترسیم؟

بسیاری از نوشته‌های خردسالانه و کودکانه قاسم‌نیا و برخی دیگر از شاعران کودک این روزگار، بی‌برو و برگرد، «نظم کودکانه» اند؛ همین و بس. نظم کودکانه نیز در جای خود می‌تواند مفید و ارزشمند باشد و اگر سراینندگان این آثار، به صراحت آن‌ها را با عنوان «نظم» مشخص کنند، نه خود را پایین آورده‌اند و نه به ساحت شعر اهانتی کرده‌اند. فکر می‌کنم زمان آن رسیده باشد که صراحت، را جایگزین هرگونه مصلحت‌اندیشی کنیم. ساختن نظم کودکانه نیز پاسخگویی به یکی از نیازهای زمانه است و اصلاً خجالت ندارد. عرضه‌ی «نظم» به جای «شعر» است که نوعی «غش در معامله» به شمار می‌آید و مایه‌ی شرمساری محسوب می‌شود.

چه اشکالی دارد که قاسم‌نیا، کتاب نظم تندرستی مانند مامان بیا جیش دارم را که اتفاقاً با استقبال بسیار خوب مخاطبانش روبه‌رو شده است، آشکارا با عنوان «نظم کودکانه» مشخص کند و در خاتمه دادن به خلط مبحث نیز پیشگام باشد؟





کودک، ویژگی دیگری نیز داشته باشد و آن، محدودیت حوزه دانسته‌ها و تجربه‌های مخاطب است که به هنرمند اجازه نمی‌دهد همه مقوله‌های هستی را بی‌کم و کاست، در اثر هنری خود بازتاب دهد.

با این همه، اگر از زنان هنرمند توقع داشته باشیم که اسیر کلیشه‌های تبعیض جنسی و جنسیتی نشوند و در آثار خود (حتی برای کودکان و خردسالان)، با استفاده ناآگاهانه از این کلیشه‌ها، به تثبیت فرهنگ ریشه‌دار نابرابری زن و مرد در ذهن نسل آینده کمک نکنند، گمان نمی‌کنم به انتظاری بی‌جا دامن زده باشیم.

قاسم‌نیا و همه زنان شاعری که برای کودکان و نوجوانان می‌سرایند، حق دارند مسئله شعر خود را «برابری یا نابرابری دو جنس» ندانند، اما چندان شایسته نیست که خود، با تن دادن به کاربرد کلیشه‌های تبعیض‌آمیز، درخت که‌نسال بی‌عدالتی را آبیاری کنند.

در سروده‌های قاسم‌نیا، زنان و دختران (از دخترچه‌ها و مادران گرفته تا شخصیت مثالی گرت‌برداری شده‌ای چون خاله‌ریزه که از کارتون‌های تلویزیون اقتباس شده است)، تنها در نقش‌های سنتی همیشگی ظاهر می‌شوند و هیچ‌گونه حضور سنت شکنانه‌ای ندارند. از این گذشته، در این آثار با خاله‌سوسکه‌ای روبه‌رو می‌شویم که شوهرش (آقاموشه)، بی‌خبر به سفر می‌رود و او نیز جز غصه خوردن، انتظار، آب و جارو کردن خانه و گل در گلدان کاشتن، کاری از دستش برنمی‌آید. آقاموشه، مرد خوشبختی است که از پنجه‌های زنش (خاله‌سوسکه)، هزار هنر می‌ریزد و این هنرها چیزی جز این نیست که از صبح تا شب در خانه کار می‌کند و یکتنه آشی می‌پزد که نه

بی‌نمک است و نه شور! خاله‌سوسکه، حتی وقتی هم که از تب می‌سوزد و از بیماری به دوپاره استخوان تبدیل می‌شود، باید مضطرب باشد و آرزو کند زودتر خوب شود؛ چون تمام کار خانه، از شستن رخت‌های چرک تا پختن شام و ناهار و خرید گوشت و میوه از بازار، به دوش آقاموشه افتاده است و اگر بیماری او ادامه پیدا کند، آقاموشه از پا می‌افتد. خاله‌سوسکه، حتی وقتی برادرشوهر پرخور و بی‌عارش مهمان آن‌ها می‌شود و پشت‌سر هم دستور می‌دهد و غذاهای جورواجور می‌طلبد، در نقش «زن داداش»، چاره‌ای جز اطاعت ندارد.

نهایت احترام مرد به زن در چنین نظامی، آن است که خاله‌سوسکه، برای آقاموشه چای بریزد و آقاموشه تعارف کند که خاله‌سوسکه باید اول چای بنوشد و این دو از صبح تا شب، با هم تعارف تکه‌پاره کنند!

قاسم‌نیا شاعر موفق است و جا دارد که در حوزه زدودن کلیشه‌های نابرابری جنسی از آثارش نیز پیشگام باشد.

ادبیات فرنگی

- پی‌نوشت
۱. قاسم‌نیا، شکوه: مثل یک گل کوچک، چاپ اول، زمستان ۶۶، تهران، نهاد هنر و ادبیات.
  ۲. علاء، افشین: یک عالم پروانه، چاپ اول، ۱۳۶۸، تهران، رویش.
  ۳. قاسم‌نیا، شکوه و دیگران: کلاغ پر، چاپ اول، اسفند ۱۳۶۵، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
  ۴. علاء، افشین: بلدم شعر بگویم، چاپ اول، تابستان ۷۶، تهران، پیدایش.
  ۵. قاسم‌نیا، شکوه: مثل یک گل کوچک.
  ۶. ر. ک: فارسی اول دبستان (بخوانیم).
  ۷. قاسم‌نیا، شکوه: ماه و ماهی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۱، تهران، قدیانی، صص ۲ و ۳.
  ۸. ر. ک: قاسم‌نیا، شکوه: بوی گل نارنج، چاپ اول، ۱۳۶۸، تهران، نهاد هنر و ادبیات.
  ۹. قاسم‌نیا، شکوه: «ویروس بزرگسالی در شعر کودک»، پژوهشنامه، ش ۲، پاییز ۱۳۷۴، صص ۳۴ و ۳۵.

۱۰. پیشین، ص ۳۶.  
 ۱۱. همان، ص ۳۱.  
 ۱۲. قاسم‌نیا، شکوه: ماه و ماهی.  
 ۱۳. قاسم‌نیا، شکوه: به خاطر خروسه، چاپ اول، ۱۳۷۷، تهران، قدیانی.  
 ۱۴. قاسم‌نیا، شکوه: «ویروس بزرگسالی در شعر کودک»، ص ۳۲.  
 ۱۵. قاسم‌نیا، شکوه: بوی گل نارنج.  
 ۱۶. قاسم‌نیا، شکوه: مثل یک گل کوچک.  
 ۱۷. این مقاله، «شعر کودک و ساختار زبان محاوره» نام دارد و تا زمان نگارش مقاله حاضر، منتشر نشده بود.
۱۸. قاسم‌نیا، شکوه: حسنی کلاس چنده؟، چاپ سیزدهم، تابستان ۱۳۷۹، تهران، پیدایش.  
 ۱۹. پیشین.  
 ۲۰. قاسم‌نیا، شکوه: حسنی یک جوجه داره، چاپ دهم، تابستان ۱۳۷۹، تهران، پیدایش.  
 ۲۱. پیشین.  
 ۲۲. همان.  
 ۲۳. قاسم‌نیا، شکوه: حسنی تو شهر قصه، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۸، تهران، پیدایش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی